

ابعاد تمدنی نهاد زیارت در فرهنگ شیعی

هادی غیائی *

چکیده

در فرهنگ شیعی، زیارت به مثابه «نهاد» مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت مجموعه‌ای از معانی، دانش‌ها و تلویحاً دستورهایی است که اندیشه و عمل زائر را در زندگی اجتماعی در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند. ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد، مانند پیشتر نهادهایی که دستاورد تمدنی ایران اسلامی محسوب می‌شوند، مورد غفلت واقع شده است. زیارت به مثابه واقعیتی اجتماعی و نهادی زندگی ساز می‌تواند از ابعاد گوناگون مطالعه شود. از منظر تمدنی، زیارت حرکتی پویا به شمار می‌آید که آثار مادی و معنوی بسیاری، پیرامون آن شکل می‌گیرد. ابعاد تمدنی این حرکت را می‌توان در سطوح مختلف تبیین کرد. مسئله این پژوهش، شناسایی ابعاد تمدنی نهاد زیارت است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل آنها مبتنی بر روش تحلیل مضمون صورت گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش، چهار بعد اصلی و فراگیری که از تحلیل مضمون منابع کتبی مرتبط به دست آمده است عبارت‌اند از: «بعد مردمی»، «نظامات اجتماعی»، «هویت تمدنی» و «بعد تاریخی - جغرافیایی». بر اساس یافته‌های این پژوهش، قدرت نرم، تعارف میان فرهنگی و پویایی اجتماعی، مؤلفه‌های مهم بعد مردمی، آثار مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مؤلفه‌های کلیدی بعد نظامات اجتماعی، قدرت تولید، احاطه و تعمیق معنا، حس تعلق به امت اسلامی و غایات تمدنی مشترک از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد هویت تمدنی، و بسط تاریخی آیین زیارت در گستره پهناور جغرافیای فرهنگی جهان اسلام، مهم‌ترین مؤلفه تاریخی-جغرافیایی نهاد زیارت به شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: تمدن، زیارت، مؤلفه‌های مردمی، نظامات اجتماعی، هویت تمدنی، بعد تاریخی - جغرافیایی.

از ملزومات شکل‌گیری علوم انسانی بومی توجه به واقعیت‌های اجتماعی جامعه خود و تحلیل آنها با مفاهیم مبتنی بر اندیشه‌ها و مبانی بومی است. مفاهیم در علوم انسانی نقش کلیدی ایفا می‌کنند، به طوری که یکی از گام‌های اساسی تحول در علوم انسانی، بازتولید مفاهیم محوری در رشته‌های مختلف علوم انسانی است؛ چراکه واقعیت‌های اجتماعی در قالب مفاهیم لباس معنا به خود می‌پوشند. لذا در این نوشتار سعی بر تحلیل پدیده اجتماعی جامعه ایرانی با مفاهیم بومی و بر اساس مبانی اسلامی است.

در فرهنگ شیعی، زیارت به مثابه یک نهاد مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت مجموعه‌ای از دانش‌ها و تلویحاً دستورهایی است که اندیشه و عمل زائر را در زندگی اجتماعی در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند. ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد، مانند بیشتر نهادهایی که دستاورد تمدنی ایران اسلامی محسوب می‌شوند، مورد غفلت واقع شده است. در نگاه عمومی شیعیان، زیارت تنها تکریم و گرامیداشت مدفن پیشوایان معصوم است؛ زیارت عاشورا برای تبرک خوانده می‌شود و برگرد قبر مطهر امام رضا علیه السلام برای شفای بیماری‌های جسمی و آمرزش گناهان طواف می‌کنند و بدین گونه در نهاد پویا و ارزشمند زیارت، تحریفی اساسی پدید آمده است.

زیارت به منزله نهادی قدرتمند است که به تعلیم و تربیت شیعیان می‌پردازد و به طرق مختلف امر تمدن‌سازی را محقق می‌سازد. این امر خصوصاً در زیارت اربعین محسوس‌تر است. «امروزه اربعین تنها یک راهپیمایی معنوی و یا صرفاً زیارت جمعی حسین بن علی علیه السلام نیست، بلکه مدلی متفاوت از نظام مناسبات

مردمی در مقابل الگوی سکولار و دنیوی شده غربی است. این تجربه، تجربه‌ای در حال ترقی و پیشرفت است که بر منابع دینی و سنن بومی ساخته شده است و از فرهنگ مدرن غرب هیچ رنگ و بویی نگرفته است. اربعین یک پدیده کاملاً مردمی و اسلامی است، نه یک پدیده تمدنی به معنای civilization؛ بلکه ظهور یک امت نوین اسلامی است که مدل نظام‌مند آن را می‌توان برای بشر امروز تبیین، و آن را در ویرترین جوامع مردمی برجسته کرده و بر آن محاجه کرد» (بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲).

این نوشتار می‌کوشد ابعاد تمدنی پدیده زیارت را در چهار بعد مردمی، نظامات اجتماعی، هویت تمدنی و تاریخی - جغرافیایی مورد بررسی قرار دهد. ابتدا تعاریفی از زیارت و تمدن ارائه می‌گردد و سپس ابعاد چهارگانه مزبور به ترتیب مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها و جست‌وجوهای نگارنده نشان می‌دهد درباره موضوع و مسئله این نوشتار پژوهش‌های زیادی صورت نپذیرفته است. با این حال، مرتبط‌ترین پژوهش‌ها به موضوع مورد بررسی به شرح ذیل است:

- معینی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله «ظرفیت‌های تمدنی کنگره عظیم اربعین حسینی» پدیده اربعین را به مثابه عنصری تمدنی مورد توجه قرار داده است. ایشان ذیل بیان چارچوبی نظری، ارکان تحقق تمدن و امت واحد اسلامی را بررسی، و ظرفیت‌های آیین‌ها و مناسکی مانند اربعین را در تحقق امت واحد و تمدن نوین اسلامی تشریح کرده است. ایشان دین، علم، عقلانیت و اخلاق را ارکان چهارگانه تمدن نوین اسلامی می‌داند که اربعین در متن و بطن خود در سه لایه گرایش، بینشی و رفتاری، ظرفیت‌هایی برای تحقق این ارکان دارد. نگاه تمدنی به پدیده زیارت، وجه مشترک

این نوشتار و پژوهش حاضر است.

- عرفان و بیات (۱۳۹۳) در مقاله «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های تمدنی و فرهنگی آن» به کارکردهای تمدنی و فرهنگی مفهوم امت پرداخته‌اند. این مقاله موضوع «امت» و «امامت اسلامی» را از منظر فرهنگی و تمدنی واکاوی کرده و با استناد به مؤلفه‌های امت از منظر قرآن، به تبیین مفهوم و نقش امت در فرایند ساخت تمدن اسلامی پرداخته است تا وانماید که این نظریه چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی در باروری فرهنگی و نیز تمدن‌سازی دارد. انسجام و همبستگی وثیق اجتماعی، آرمان‌سازی برای تحولات اجتماعی و کارکردهای هویت‌بخش، از جمله یافته‌های این تحقیق در قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی این آموزه است.

- بابایی (۱۳۹۴) در مقاله «مدنیت و معنویت در اربعین» به کارکردهای تمدنی زیارت اربعین پرداخته است. ایشان معتقد است آنچه در همایش اربعین رخ می‌دهد، هم به جهت ایمانی و هم به جهت حبی و عشقی کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک سو حرکت و تمرینی است که موجب افزایش ایمان می‌شود و نظام مناسبات ایمانی را تنظیم می‌کند و از سوی دیگر در اربعین با تأکید بر یک محبوب و معشوق مشترک و همین‌طور با تجربه مشترک حبی و عشقی به آن محبوب واحد، محبتی به همدیگر به وجود می‌آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می‌یابد. شکل‌گیری امت واحد بر اساس این عشق و معشوق مشترک، نتیجه این نظام مناسبات جدیدی است که بر محور اربعین رخ می‌نماید. نگاه تمدنی و میان‌فرهنگی و تأکید بر محبت و معنویت، از وجوه مشترک این نوشتار با پژوهش حاضر است.

- بهمنی خدنگ (۱۳۹۶) در مقاله «آیین اربعین، نمایش تنوع در امت اسلامی» پس از واکاوی معنا و مؤلفه‌های امت در قرآن، پدیده اربعین را به مثابه متعالی‌ترین پدیده عینی و انسانی تنوع‌پذیر، بارزترین مابه‌ازای عینی مفهوم امت در قرآن می‌داند. ایشان با تأکید بر اصالت تنوع‌پذیری در امت اسلامی، آن را زمینه‌ساز تعالی امت اسلامی می‌داند و امت متعالی و پیش‌رونده را زیرساخت حرکت تمدنی در جهان اسلام معرفی می‌کند. لذا ایشان آیین انسانی-اسلامی اربعین را الگوی عملیاتی تمدن‌سازی مبتنی بر مناسبات انسانی قلمداد می‌کند. تأکید بر بعد امت‌سازی زیارت و زیرساخت دانستن آن برای تمدن‌سازی نوین اسلامی از وجوه مشترک این نوشتار با پژوهش حاضر است.

روش انجام پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است و در این مسیر سعی شده است از ادبیات علمی در حوزه مطالعات زیارت، گردشگری مذهبی، ارتباطات میان‌فرهنگی و مطالعات تمدنی بهره‌برداری شود. رویکرد پژوهش نیز توصیفی و تحلیلی است. «تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، فرایندهای جاری، آثار مشهود و روندهای در حال گسترش توجه دارد» (خاکی، ۱۳۹۰). روش تحلیل داده در این پژوهش، تحلیل مضمون است. فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم کرد: الف) تجزیه و توصیف متن؛ ب) تشریح و تفسیر متن؛ ج) ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. تحلیل مضمون، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶). نکته

مهم اینکه تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای از خطوط راهنما استفاده می‌کنند، نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص. این امر، انعطاف‌پذیری آنها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق را موجب می‌شود (پاتون،^۱ ۱۹۹۰، ص ۱۴۵).

منابعی که مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند، کتب و مقالات علمی-پژوهشی مربوط به دو حوزه مطالعات زیارت و مطالعات تمدن در بیست سال گذشته بوده‌اند. کلیدواژه‌هایی که در یافتن موارد مرتبط مورد استفاده قرار گرفته است، عبارت‌اند از: زیارت، تمدن، لایه‌های تمدن، هویت، گردشگری مذهبی، ارتباطات میان فرهنگی، عتبات مقدسه، ابعاد فرهنگی زیارت، ابعاد سیاسی زیارت، و ابعاد اقتصادی زیارت.

پس از فیش‌برداری از منابع، فیش‌ها وارد نرم‌افزار Maxqda شده تا کدگذاری شوند. محیط و ابزار گرافیکی متنوع، رابطه کاربری آسان‌تر و جذاب‌تر، سازگاری بیشتر با زبان فارسی، فرمت‌های خروجی مختلف و امکان جست‌وجوی آسان بین داده‌های فارسی، از جمله مزایای این نرم‌افزار نسبت به دیگر نرم‌افزارهای تحلیل کیفی است.

پس از سه مرحله کدگذاری، الگوی نهایی تحلیل مضمون ابعاد تمدنی نهاد زیارت مشخص شد. برای پایایی کدگذاری این پژوهش، پس از هر مرحله کدگذاری، کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی با گزاره‌های اولیه مقایسه شدند. برای روایی این پژوهش از بررسی همکاران استفاده شد؛ بدین ترتیب که مراحل تحقیق و یافته‌های آن با یکی از دانشجویان دکترا مرور گردید و به سؤال‌ها و انتقادهای مطرح شده پاسخ داده شد.

در جدول زیر نمونه‌ای از تحلیل مضمون گزاره‌های این پژوهش در نرم‌افزار Maxqda مشخص است.

1. Patton.

مضمون	گزاره
<p>بعد مردمی / ارتباطات میان فرهنگی</p>	<p>تعارف در حقیقت فلسفه و حکمت آفرینش تفاوت‌ها و کثرت‌های مردمی است تا بتوانند راهی به سوی معرفت و کمال نهایی پیدا بکنند. این تعارف صرفاً یک تعارف عرفانی با کارکردهای سلوکی صرف نیست؛ بلکه این تعارف، زندگی این جهانی در مقیاس تمدنی را متأثر می‌سازد و مناسبات کلان اجتماعی را اصلاح می‌کند و راه را به سوی تعامل معروف و تعاون در نیکی‌ها می‌گشاید. جامعه‌ای که در آن تعارف است، جامعه‌ای که در آن تعاملات مردمی بر اساس معروف رخ می‌دهد و جامعه‌ای که در آن تعاون در نیکی‌ها وجود دارد، نه در ادبیات اسلامی، بلکه حتی در ادبیات مدرن هم یک جامعه متمدن تلقی می‌شود و فرایند تمدنی در آن نیز سهل و آسان رخ می‌دهد (بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷).</p>
<p>هویت تمدنی / غایات مشترک</p>	<p>پس از آنکه یک اجتماع مردمی پدید می‌آید و طبق غایات جمعی خود، قوانینی را اعتبار می‌کند، در صورتی که این جامعه با انجام مناسب این اعتبارات به غایت مد نظر خود دست یابد و آن غایت به صورت فرهنگی ریشه‌دار در آن جامعه پدید آید، تعاملات ناشی از این فرهنگ دیگر نه به نحو اعتباری، بلکه به نحو کاملاً ضروری در حیات اجتماعی آنها بروز می‌یابد. در چنین حالتی آن فرهنگ واحد، مدار اتحاد وجودی افراد آن جامعه خواهد بود؛ زیرا بر اساس قاعده اتحاد عاقل و معقول افراد آن اجتماع حقیقتاً به ساحتی از اتحاد وجودی دست یافته‌اند. از سوی دیگر نیز روابط اجتماعی ناشی از این فرهنگ به صورتی ضروری و غیر اعتباری از این اجتماع مردمی بروز خواهد داشت. در نتیجه مجموعه آن فرهنگ واحد - به عنوان عقبه وجودی آن اجتماع - و تعاملات اجتماعی ناشی از آن، موجودی واحد را پدید می‌آورد که تعاملات اجتماعی همچون پیکره آن، و فرهنگ و اصول معرفتی مستتر در آن به عنوان روح آن تلقی می‌گردند (خانی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵).</p>

<p>نظامات اجتماعی / بعد فرهنگی- اجتماعی</p>	<p>زیارت این بینش را برای مردم محلی به وجود می‌آورد که سایر اقوام، ملیت‌ها برای مشاهده فرهنگ آنان احترام قائل شده‌اند و برای تماشای آثار معنوی و تمدنی فرهنگ موجود، پول و وقت صرف می‌کنند. این مسئله موجب احساس مباهات و افتخار جامعه محلی می‌شود و تقویت منش فرهنگی و افزایش حس اعتماد و احترام به گردشگران و زائران را به وجود می‌آورد. زیارت، فرصت‌های زیادی را برای مبادلات فرهنگی میان جامعه بومی و میهمان ایجاد کرده تا دو طرف با فرهنگ یکدیگر آشنا شوند و آگاهی فرهنگی و شناخت عمیقی نسبت به طرف مقابل کسب کنند. چنین اثری در کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، پیش‌داوری‌ها و نزدیک‌تر شدن افکار و اعتقادات دو فرهنگ (میزبان و میهمان) بسیار مؤثر می‌باشد. زیارت در کنار پرورش سایر حوزه‌های گردشگری باعث ارتقای تفاهم و درک متقابل میان ملت‌ها، جلوگیری از بیگانه‌گرایی و تبلیغات سوء، ایجاد آرامش و صلح جهانی و... خواهد شد (شربتیان، ۱۳۹۰، ص ۲۲).</p>
<p>نظامات اجتماعی / بعد اقتصادی</p>	<p>گردشگری مذهبی و زیارت، نوعی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشور است و آثار آن در کلیه بخش‌های اقتصادی اثر توسعه‌ای دارد؛ ایجاد درآمد ارزی برای کشور، ایجاد درآمد برای دولت از راه دریافت مالیات و عوارضی که ناشی از فعالیت‌های مربوط به صنعت گردشگری زیارتی است، ایجاد مؤسسات بازرگانی خاص به خصوص در امر صادرات و واردات، توجه خاص به محیط زیست برای حفاظت از امکانات طبیعی مانند آب، هوا، خاک و... توسعه صنایع غذایی و زیرمجموعه‌های مربوطه مانند صنایع کشاورزی، دامپروری، باغداری و... توسعه و رونق صنایع دستی به دلیل تقاضای فراوان زائران برای صنایع دستی آن شهر زیارتی خاص و کشور مربوطه، توسعه شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی مانند تلفن، فاکس، اینترنت، روزنامه و... (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۹۴۹).</p>

<p>نظامات اجتماعی / بعد سیاسی</p>	<p>زیارت می‌تواند درس عزت‌طلبی، تسلیم‌ناپذیری، ولایت‌مداری، دلاوری و غیرت‌ورزی نسبت به اسلام و دفاع از فضیلت و کرامت انسانی و همچنین حرمت انسان‌ها را به انسان‌ها بیاموزد. زیارت می‌تواند موجب جذب جمعیت، و احیا و توسعه شهر شود. طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی در سکونتگاه‌های انسانی و نیز تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها به ویژه در دوره‌های قدیم بسیار مهم بوده است. همگرایی عتبات می‌تواند بستری برای اعتراض سیاسی باشد. زیارت می‌تواند به ارائه چهره‌ای واقعی از یک کشور یا دین و مذهب به جهانیان کمک کند. زیارت موجب گسترش امنیت می‌شود؛ زیرا حفظ قداست مکان زیارتی مانع از اعمال خشونت می‌گردد.</p>
<p>بعد تاریخی- جغرافیایی / تاریخی</p>	<p>وجه نهادی زیارت طی فرایندی تاریخی شکل می‌گیرد؛ به عنوان مثال برای زیارت امام رضا(ع) در ایران دو دوره را می‌توان منظور کرد. دوره نخست از ورود اسلام تا ابتدای صفویه است که بیشتر ایرانیان، سنی، و شیعیان در اقلیت بودند، اما در عین حال به زیارت تمایل زیادی داشتند و به آن مقید بودند. در این دوران علی‌رغم سنی بودن اکثر مردم و حکام، غالباً تنگنای جدی برای زیارت امام رضا(ع) وجود نداشته و ایشان مورد احترام مقتضی قرار می‌گرفته است. دومین دوره پس از صفویه است که تشیع در ایران رسمیت یافته و مظاهر و مناسک شیعی به طور گسترده‌ای در جامعه تبلیغ می‌شد. در این دوران زیارت امام رضا(ع) یکی از نشانه‌های مهم هویت شیعی محسوب می‌شد و گاه نیز از تبلیغ و ترویج زیارت بهره‌های سیاسی برده شده است. در دوره صفویه اماکن زیارتی در ایران توسعه زیادی پیدا کرد و بر جنبه آستانه‌ای (بارگاهی) آن به شدت افزوده شد. اگر چه این روند در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافته، وجهه بارگاهی زیارت امام رضا(ع) در دوران حاضر اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۶).</p>

آخرین گام در تحلیل مضمون، تدوین گزارش است. این مرحله وقتی آغاز می‌شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شده باشد. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و علایق نظری نهفته در آنهاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به دست آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود (استیرلینگ، ۲۰۰۱^۱).

در این پژوهش پس از بررسی داده‌ها و طی کردن مراحل روش‌شناختی و تبیین مفاهیم زیارت و تمدن به گزارش مضامین نهایی یعنی «بعد مردمی»، «نظامات اجتماعی»، «هویت تمدنی» و «بعد تاریخی - جغرافیایی» نهاد زیارت پرداخته می‌شود.

چارچوب مفهومی

۱. زیارت

در منابع لغوی، معانی مختلفی برای زیارت بیان شده است که در عین حال، روح مشترکی در همه آنها جاری است. در ذیل واژه زیارت چنین توصیفات را می‌خوانیم:

زار: بازدید کرد، سر زد. (سیاح، ۱۳۷۷، ص ۷۹۰)

- به معنای برگردیدن و برگشتن از چیزی و مایل شدن از آن. (سیاح، ۱۳۷۷،

راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۳۸۶)

- زور: به فتح «زا» قصد و میل است. زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را

گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است. گویی زیارت‌کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت‌شونده تمایل و قصد کرده است. (صدر

حاج سیدجوادی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۶)

1. Attride-Stirling.

- زرت فلاناً: او را سینه به سینه ملاقات کردم، یا رجل زائر، و قوم زور: مردی و قومی زیارت‌کننده (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶۹؛ زمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

اما معنای اصطلاحی زیارت در فرهنگ شیعی اشاره به حرکت مؤمنین برای دیدار بارگاه ملکوتی معصومین علیهم‌السلام دارد تا این دیدار ظاهری، زمینه‌ای باشد برای اتصال باطنی به حقیقت ائمه هدا علیهم‌السلام. هدف زیارت، لقاءالله است و زیارت اولیای الهی، عالی‌ترین مرتبه از زیارت است و از بیشترین آثار و برکات وجودی برخوردار. در زیارت هدف اصلی اتصال امت به امام است؛ امتی که همه یک سو شده و صبغه الهی گرفته‌اند به امامی که مظهر تام ذات الهی است. این اتصال می‌تواند تا آنجا پیش رود که زائر و مزور یکی شوند و همه، تجلی اسما و ذات الهی گردند.

از طرفی زیارت به عنوان واقعیتی فرهنگی - اجتماعی در فرهنگ شیعی، به مثابه یک نهاد مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت مجموعه‌ای از گرایش‌ها، بینش‌ها و کنش‌هایی در نظر گرفته شده است که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند. ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد، مانند بیشتر نهادهای تمدنی - فرهنگی شیعی مورد غفلت واقع شده بود. اما با شروع حرکت اربعین حسینی، ظرفیت‌های تمدنی نهاد زیارت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ چراکه نشان‌دهنده حرکت هویتی اصیل بود؛ هویتی که در طول تاریخ اسلام در بین مسلمانان خصوصاً در متن اجتماعات شیعیان جاری بود. «این امر از حضور دائمی شعارهایی چون «ابد والله یا زهراء مانسی حسینا» به خوبی قابل فهم است که نشان‌دهنده نقش محوری امام حسین علیه‌السلام در استمرار اجتماعات شیعی است» (الشیخ غالب الناصر، ۲۰۱۵، ص ۲۱۴).

۲. تمدن

تمدن، با گستره‌ای جغرافیایی و تاریخی، کلان‌ترین واحد اجتماعی است که تاکنون در زندگی بشر مطرح بوده است. «تحلیل تمدن‌ها بی‌شک در چارچوب تنگ زمانی یکی دو واقعه - اگر چه مهم و تاریخ‌ساز - ممکن و عقلانی نیست. آن‌گاه که از تمدن سخن می‌گوییم، از یک سو پا را از یک حوزه خاص سیاسی، نظامی یا فرهنگی و اجتماعی و جز آن فراتر گذاشته به کلیت ترکیب - و البته بدون غفلت از جزئیات - می‌گیریم و از سویی دیگر اگر چه در زمان، ولی پدیده را در سیر زمانی خویش تعقیب می‌کنیم» (همایون، ۱۳۹۶، ص ۵۵).

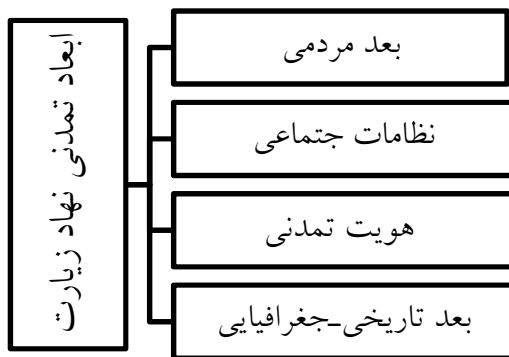
آنچه مطالعات تمدنی غربی از تمدن ارائه می‌کنند، تنها تصویر ممکن از تمدن نیست. باید توجه داشت که مفاهیم تجربی در بسترهای تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرند. جهان غرب نیز بیشتر علوم خود را با تکیه بر مفاهیم تجربی پردازش کرده است که مطالعات تمدنی نیز از این قاعده مستثنا نیست. لذا، برای ارائه تصویری بومی از تمدن و برای آزادی از قیود مفاهیم تجربی دنیای غرب - که بر اساس تاریخ تمدن غرب، خصوصاً تحولات اجتماعی و سیاسی چند قرن اخیر در قاره اروپا و آمریکا صورت‌بندی شده‌اند - باید هم به تاریخ و فرهنگ خود، و هم به مبانی قرآنی و فلسفی اسلامی متمسک شویم. به نظر می‌رسد می‌توان با مؤلفه‌های مفهومی چون عقلانیت، نظام‌های اجتماعی، هماهنگی، عینیت و پویایی آنها (بارانی و میرمحمدی، ۱۳۹۱)، بسط تاریخی و جغرافیایی و هویت تمدن، تصویر نسبتاً کاملی از واژه تمدن بر اساس مبانی بومی ارائه داد. در واقع تحقق یک تمدن، مستلزم وجود عقلانیتی است که مبانی فکری برای نظام‌سازی در یک منطقه جغرافیایی را تأمین کند تا با هماهنگی، پویایی، عینیت و بسط تاریخی آن نظام‌های اجتماعی و همچنین با تولید، اشاعه و تعمیق معانی در بعد مردمی، هویت تمدن به معنای کامل خود فرصت بروز و ظهور پیدا کند.

هر تمدن، یک کلیت یکپارچه است که حقیقتی اصیل در عالم نفس الامر دارد. تمامی لایه‌های فکری، نظامات اجتماعی، عناصر عینی، تمامی هماهنگی‌ها و پویایی یک تمدن، همه و همه در نهایت یک حقیقت کلی را ظهور می‌دهد؛ به بیان دیگر «اگر مابین وحدت اعتباری و وحدت حقیقی، یک طیف و مسیر تشکیکی را در نظر بگیریم، یک جامعه صرف، متمایل به وحدت اعتباری است و یک تمدن، متمایل به وحدت حقیقی در وجود است. این بیان متذکر این نکته است که نه یک جامعه صرف از وحدت حقیقی به کلی تهی است و نه یک تمدن از وحدت اعتباری خالی؛ بلکه جامعه در گذر از وحدت اعتباری ناشی شده از قوانین و تعاملات اعتباری، با رسیدن به غایات وجودی خود به وحدتی حقیقی دست می‌یابد که در آن مابین فرهنگ آن جامعه و اکثر تعاملات اجتماعی آن جامعه یک پیوند حقیقی و ضروری برقرار می‌گردد. در چنین موقعیتی می‌توان از چنین اجتماعی تعبیر به تمدن کرد» (خانی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵).

یافته‌های پژوهش

با تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده می‌توان چهار مضمون اصلی و سازمان‌دهنده، و دوازده مفهوم فرعی و پایه برای مضمون محوری و فراگیر «ابعاد تمدنی نهاد زیارت» شناسایی کرد. مضامین اصلی عبارت‌اند از: «بعد مردمی»، «نظامات اجتماعی»، «هویت تمدنی» و «بعد تاریخی جغرافیایی» (شکل شماره ۱). مضامین پایه مربوط به مضمون سازمان‌دهنده «بعد مردمی» عبارت‌اند از: «قدرت نرم»، «تعارف میان فرهنگی» و «پویایی اجتماعی». مضامین پایه مربوط به مضمون سازمان‌دهنده «بعد نظامات اجتماعی» عبارت‌اند از: «نظام فرهنگی - اجتماعی»، «نظام اقتصادی» و «نظام سیاسی»؛ مضامین پایه مربوط به مضمون سازمان‌دهنده «بعد هویت تمدنی» عبارت‌اند از: «جریان معنا»، «حس تعلق به امت اسلامی» و «غایات تمدنی مشترک»، و در نهایت مضامین پایه مربوط به مضمون سازمان‌دهنده «بعد تاریخی جغرافیایی»

عبارت اند از: «حرکت و هجرت»، «بسط تاریخی» و «پراکندگی جغرافیایی».



شکل شماره (۱). مضمون‌های اصلی مربوط به «ابعاد تمدنی نهاد زیارت»

۱. بعد مردمی

زیارت صحنه حضور مردم در متن جامعه است. همین حضور مردم در کنار هم سبب تماس آنها با یکدیگر، و منشأ آثار و برکات فراوانی می‌شود. پدیده زیارت با حرکت مردم آغاز می‌گردد و اجتماع عظیم مردمی را در شهرهای زیارتی به وجود می‌آورد. امروزه از حضور مردم به عنوان مؤلفه‌ای مهم در قدرت نرم یاد می‌شود. جمعیت، خود یکی از پایه‌های امنیت و قدرت است؛ خصوصاً اگر در اجتماعات همگون و معناداری چون زیارت جلوه پیدا کند.

مؤلفه دیگر در بعد مردمی، تعاملی است که بین انسان‌ها در زیارت، به مثابه بستر ارتباطات میان‌فرهنگی، صورت می‌پذیرد. این تعامل سبب تعارف و شناخت میان‌فرهنگی بین مردم می‌شود. اساساً «عامل چسبندگی اجتماعی میان گروه‌ها و اقوام و افراد، تعارفی است که بین این گروه‌ها به وجود می‌آید و با شناخت یکدیگر و رسمیت‌بخشی به استعداد‌های مردمی همدیگر، گامی جمعی در جهت رفع نیازهای یکدیگر و حل معضلات کلان اجتماعی برداشته می‌شود و هویتی

مشترک به وجود می‌آید. تعارف در حقیقت، فلسفه و حکمت آفرینش تفاوت‌ها و کثرت‌های مردمی است تا بتوانند راهی به سوی معرفت و کمال نهایی پیدا بکنند. این تعارف صرفاً یک تعارف عرفانی با کارکردهای سلوکی صرف نیست؛ بلکه این تعارف، زندگی این جهانی در مقیاس تمدنی را متأثر می‌سازد و مناسبات کلان اجتماعی را اصلاح می‌کند و راه را به سوی تعامل معروف و تعاون در نیکی‌ها می‌گشاید. جامعه‌ای که در آن تعارف است، جامعه‌ای که در آن تعاملات مردمی بر اساس معروف رخ می‌دهد و جامعه‌ای که در آن تعاون در نیکی‌ها وجود دارد، نه در ادبیات اسلامی، بلکه حتی در ادبیات مدرن هم یک جامعه متمدن تلقی می‌شود و فرایند تمدنی در آن نیز سهل و آسان رخ می‌دهد» (بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷).

پیرامون چنین رویکردی به زیارت است که تبادل و تعامل فرهنگی شکل می‌گیرد. این امر، کنش‌پذیری و تعامل فرهنگی میان خودی و غیر خودی یا آشنا و غریبه را سبب می‌شود و به تقویت مفاهیم ارتباطات بین فرهنگی در فضای کنش اجتماعی منتهی می‌شود. بر این اساس، هر فرهنگی دوام و بقای خود را در برخورد با فرهنگ‌های دیگر می‌بیند. بدین ترتیب در قرن بیست و یکم، در عصر شکوفایی فناوری و در دوران حاکمیت بهت‌آور رسانه‌های همگانی، باز هم اصل تکامل فرهنگ‌ها از راه تماس و گفت‌وگوی رو در رو به جای خود بازگشته است.

پدیده زیارت و ارتباطات میان فرهنگی گسترده‌ای که در بستر آن صورت می‌پذیرد، فرصت‌های زیادی را برای تعارف، تعامل و تبادلات میان فرهنگی ایجاد می‌کند تا فرهنگ‌ها با یکدیگر آشنا شوند و آگاهی فرهنگی خود را از یکدیگر افزایش دهند. چنین اثری در افزایش تعاون‌های اجتماعی، کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، پیش‌داوری‌ها و نزدیک‌تر شدن افکار و اعتقادات دو فرهنگ، ارتقای تفاهم و درک متقابل میان ملت‌ها، جلوگیری از بیگانه‌گرایی و تبلیغات سوء، ایجاد آرامش و صلح جهانی و... بسیار مؤثر است و سرمایه فرهنگی و آرامش و زایش

فرهنگی توأمان را که برای شکل‌گیری همگرایی تمدنی لازم است، تأمین می‌کند. مؤلفه دیگر در بعد مردمی، پویایی و نشاطی است که در زیارت ظهور می‌کند. زیارت باعث افزایش سطح درک و آگاهی میان‌فرهنگی افراد در اجتماع می‌شود. این درک میان‌فرهنگی در سپهر معنایی آموزه‌های اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از فضائل اخلاقی باشد. «از نظر فارابی و طوسی، انصاف و انتصاف در میان افراد و گروه‌ها در درجه اول به واسطه محبت ایجاد می‌شود که سازنده همبستگی اجتماعی و وفاق عمومی است. آنها معتقدند که عامل اصلی در ایجاد محبت، عناصر اعتقادی و فرهنگی است که منشأ محبت می‌شود و از آن طریق، همبستگی اجتماعی و وفاق عمومی را رقم می‌زند» (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۷۴).

اگر کنشگران جریان زیارت، مبتنی بر عقلانیتی خاص و ذیل یک سپهر معنایی مشترک خود را تعریف کنند، آن‌گاه زیارت زمینه‌ساز تشکیل هویتی واحد و بستر افزایش محبت در اجتماع خواهد بود؛ محبتی که اگر محور کنش‌های یک اجتماع قرار گیرد، جامعه‌ای پویا و به هم پیوسته را شکل خواهد داد؛ چیزی که آیه ۱۰۳ سوره آل عمران به آن اشاره دارد: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ «وجود عشق معنوی و مردمی به یک کمال لایتناهی که همه از عشقشان حظی و جیبی می‌برند، باعث می‌شود عشاق به جای نزاع بر سر معشوق، به یکدیگر عشق بورزند و با عشق‌ورزی جمعی به معشوق مشترک، عشق معنوی یکدیگر را شعله‌ورتر کنند و در نهایت، شبکه ارتباطی و اجتماعی مملو از عشق و محبت بسازند که در آن عشق هم هدف است و هم راه؛ هم در فرد است و هم در جامعه. این نظام ارتباطی عشق‌محور، مناسبات مردمی بسیار مرقی‌ای را به وجود آورده و وحدت و انسجام تازه‌ای خلق می‌کند که کمتر می‌توان نمونه‌ای برای آن در تاریخ بشریت پیدا کرد» (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

۲. هویت تمدنی

منظور از هویت تمدنی در این نوشتار، روح و جان تمدن و معنادهنده حرکت و پیشروی در آن است. از این رو می‌توان مراتب یک هویت و لایه‌های آن را همچون مراتب و لایه‌های روح آدمی، دارای اعماق بی‌انتهای دانست. این وجود پیوسته، از کالبد جامعه بشری شروع می‌شود و در انتهای افق خود به حقیقت وجود یا هستی‌بخش متعال متصل می‌گردد. هویت تمدنی مبتنی بر اساس عقلانیتی خاص که نشان‌دهنده نوع نگاه به انسان، جامعه و هستی است، سبب جریان معنا در ساحات مختلف یک جامعه و منشأ جریان خلق، تولید، اشاعه و احاطه معنا بر سپهر فرهنگی ارتباطات مردمی در یک اجتماع می‌شود. از این نظر زیارت به دلیل جوشش درونی معنا، احاطه و تعمیق آن در نظام مناسبات مردمی از غنی‌ترین پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود. اجتماع مردم در زیارت، جمع انسان‌های دل‌داده به اهل توحید است که این دلدادگی مشترک به ایجاد حس تعلق مشترک به اجتماعی عظیم‌تر به اسم «امت» می‌انجامد.

زیارت از عناصری است که حرکت، پویایی، تعارف، تعامل و تعاون در متن آن وجود دارد. سیر همدلی و انسجام مردمی که در متن زیارت تحقق می‌یابد و آن هویت فرهنگی که شکل می‌گیرد، گام‌های رسیدن آدمی به مقصد توحید را تسریع می‌بخشد و تحکیم می‌نماید. در دامن زیارت و با پیوند خوردن دل‌ها، اندیشه‌ها و هماهنگ شدن معیارها و رفتارها، حس تعلق واحد به مثابه هویتی واحد شکل می‌گیرد که به منزله روح اجتماع است و تعیین‌کننده عیار وجودی آن اجتماع خواهد بود و این حقیقتی بسیار فراتر از تعاریف مرسوم در مورد زبان، فرهنگ و ادب یک ملت است.

وقتی هویت جمعی یک امت شکل می‌گیرد، با توجه به اصالت آن، این هویت جمعی کارکردی همچون روان یک انسان برای جامعه خواهد داشت. به همین

دلیل تعریف «هویت تمدنی» در تحلیل پدیده زیارت بدین صورت بیان می‌گردد: هویت تمدنی در پدیده زیارت، روح جاری در کالبد زائران و تعیین‌کننده جریان اندیشه در اذهان، شکل‌دهنده به ارزش‌های حاکم بر دل‌ها و ترسیم‌کننده روش زندگی آنها در اجتماع است؛ به بیان تفصیلی‌تر «پس از آنکه یک اجتماع مردمی پدید می‌آید و طبق غایات جمعی خود، قوانینی را اعتبار می‌کند. در صورتی که این جامعه با انجام [دادن] مناسب این اعتبارات به غایت مد نظر خود دست یابد و آن غایت به صورت یک فرهنگ ریشه‌دار در آن جامعه پدید آید، تعاملات ناشی از این فرهنگ، دیگر نه به نحو اعتباری، بلکه به نحو کاملاً ضروری در حیات اجتماعی آنها بروز می‌یابد. در چنین حالتی آن فرهنگ واحد، مدار اتحاد وجودی افراد آن جامعه خواهد بود؛ زیرا بر اساس قاعده اتحاد عاقل و معقول، افراد آن اجتماع حقیقتاً به ساحتی از اتحاد وجودی دست یافته‌اند. از سوی دیگر نیز روابط اجتماعی ناشی از این فرهنگ به صورتی ضروری و غیر اعتباری از این اجتماع مردمی بروز خواهد داشت. در نتیجه مجموعه آن فرهنگ واحد - به عنوان عقبه وجودی آن اجتماع - و تعاملات اجتماعی ناشی از آن، یک موجود واحدی را پدید می‌آورد که تعاملات اجتماعی، همچون پیکره آن، و فرهنگ و اصول معرفتی مستتر در آن به عنوان روح آن تلقی می‌گردند» (خانی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵).

۳. نظامات اجتماعی

در این نوشتار بعد نظامات اجتماعی تمدن، به فرایندها و رویه‌هایی اشاره دارد که انسان‌ها مبتنی بر عقلانیتی خاص در زندگی اجتماعی برای سامان دادن امور اجتماعی خود قرارداد می‌کنند. این امور به طور مشخصی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی نمود پیدا می‌کند. زیارت، پدیده‌ای اجتماعی است که در دل خود آثار و نتایجی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی در جامعه ایجاد

می‌کند. این نتایج در پدیده زیارت، به شکلی خاص بروز می‌کند که در ادامه به تحلیل آنها می‌پردازیم.

الف) بعد فرهنگی - اجتماعی

زیارت، فرهنگ انسان‌ها را در بعد مادی و معنوی توسعه می‌دهد. فرهنگ امری یکه و تنها و ایستا نیست؛ جلوه‌ای از حیات جامعه است و حیات اجتماعی در ارتباط انسان‌ها نهفته است. ارتباط انسان‌ها هر چقدر گسترده‌تر باشد، فرصت آفرینش و ژرفای فرهنگ بیشتر می‌شود. برخورد انسان‌ها با یکدیگر، زمینه آفرینش فرهنگ را فراهم می‌کند. ماندگاری و استواری یک فرهنگ در برخورد با فرهنگ‌های دیگر مشخص می‌شود. بدین ترتیب زیارت موجب شکوفایی فرهنگ‌ها و ارتقای سطح ماندگاری و سلامت آنها می‌شود.

سفرهای زیارتی منجر به ایجاد اعتماد به نفس فرهنگی و دینی، بروز تبدلات فرهنگی بین درک و شناخت فرهنگ‌ها و ایجاد گفت‌وگوی تمدن‌های دینی در عصر حاضر خواهد شد. بر این اساس است که زیارت در پیدایش، حیات، شکل‌گیری، ارتباط و پیوند متقابل میزبان و میهمان، پیامدهای فضایی، جهان‌بینی، محیطی و فرهنگی ساختار کلان‌شهرهای مذهبی ما آثار بسیاری می‌تواند داشته باشد.

تبادل فرهنگی از طریق زائران در سطح جوامع با مجموعه‌ای از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی همراه است که از آن جمله می‌توان به تحکیم تفاهم‌ها و گسترش روابط دوستانه میان جامعه میزبان و میهمان در سطح ملی و بین‌المللی اشاره کرد. احترام به نظام مستقر سیاسی، اخلاقی، مذهبی، اجتماعی جامعه میزبان را باید از دیگر کارکردهای اساسی این نوع تعامل دانست. ارج نهادن و ارزش‌گذاری به سنت‌ها، اعتقادات و رفتار جوامع میزبان و درک این منش‌ها به عنوان میراث فرهنگی و طبیعی از دیگر کارکردهای فرهنگی زیارت است.

زیارت این بینش را برای مردم محلی به وجود می‌آورد که سایر اقوام و ملیت‌ها برای مشاهده فرهنگ آنان احترام قائل شده‌اند و برای تماشای آثار معنوی و تمدنی فرهنگ موجود، پول و وقت صرف می‌کنند. این مسئله موجب احساس مباهات و افتخار جامعه محلی است و تقویت منش فرهنگی و افزایش حس اعتماد و احترام به گردشگران و زائران را در پی دارد. زیارت، فرصت‌های زیادی را برای مبادلات فرهنگی میان جامعه بومی و میهمان ایجاد می‌کند تا دو طرف با فرهنگ یکدیگر آشنا شوند و آگاهی فرهنگی و شناخت عمیقی نسبت به طرف مقابل کسب کنند. چنین اثری در کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، پيشداوری‌ها و نزدیک‌تر شدن افکار و اعتقادات دو فرهنگ (میزبان و میهمان) بسیار مؤثر است. زیارت در کنار پرورش سایر حوزه‌های گردشگری باعث ارتقای تفاهم و درک متقابل میان ملت‌ها، جلوگیری از بیگانه‌گرایی و تبلیغات سوء، ایجاد آرامش و صلح جهانی و... خواهد شد (شربتیان، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

زیارت می‌تواند نوعی جلای روح و جان و آرامش روانی برای زائران داشته باشد. زیارت همانند سایر حوزه‌های گردشگری فرهنگی در یکپارچگی، همگرایی اجتماعی - فرهنگی جامعه جهانی و اسلامی می‌تواند نقش ارزنده‌ای داشته باشد. این اثر در عصر حاضر کمک شایانی به وحدت و وفاق ملی خواهد کرد.

در طول تاریخ معمولاً در جوار آستان‌های مقدس در شهرهای مذهبی مراکز علمی عظیمی دایر بوده است که نشان‌دهنده نقش محوری زیارتگاه‌ها در فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی تأثیرگذار بر جریان علمی در دوران‌های مختلف است.

متأسفانه شیوه زیارت و سفرهای زیارتی در جهان اسلام، قالبی شبه توریستی به خود گرفته است و از روند اصیل خود که به ارتباطات میان‌فرهنگی بین جامعه میزبان و میهمان منجر می‌شد، دور شده است؛ اتفاقی که هم اکنون می‌توان آن را

در سفرهای زیارتی ایرانیان به عربستان یا حضور اعراب شیعی در شهرهای مذهبی ایران، از جمله مشهد و قم آن را مشاهده کرد. غافل شدن از نگاه‌های میان‌فرهنگی و تمدنی به زیارت، سبب می‌شود که چرخه حرم، بازار، هتل و حرم به طور معمول در سفرهای زیارتی مشاهده شود و پدیده زیارت بیش از آنکه دارای تعاملات فرهنگی با مردم دیار میزبان باشد، به زیارتی توریستی تقلیل یابد.

ب) بعد اقتصادی

ویژگی‌هایی که باعث شده زیارت به عنوان یک مقوله تمدنی درخور توجه در این مطالعه انتخاب شود، نتایج عمده سیاسی و اقتصادی مانند زودبازده بودن و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری کلان، مزیت‌های اجتماع، فرهنگی و زیست‌محیطی و ایجاد امنیت و توسعه در روابط سیاسی بین کشورهاست. زیارت با ایجاد و ارائه تسهیلات اقتصادی و خدماتی به زائران به توسعه شغلی، درآمدهای اقتصادی و افزایش دستمزدها منجر خواهد شد که این مسائل به رونق نظام مالیاتی و ساختار نظام شهروندی حاکم بر جامعه و شهر مورد نظر کمک خواهد کرد.

از جمله نتایج اقتصادی این پدیده تمدنی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- گردشگری مذهبی و زیارت نوعی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشور است و آثار آن در همه بخش‌های اقتصادی اثر توسعه‌ای دارد؛

- وقتی زائر به شهری سفر می‌کند، بعد از زیارت سعی دارد از دیدنی‌های آن شهر هم بازدید داشته باشد. بنابراین زیارت و سیاحت توأمان صورت می‌گیرد که به رشد اقتصادی و فرهنگی شهرهای مذهبی می‌انجامد؛

- خرید برای زائر جاذبه خاص خود را دارد؛ چراکه سفر به شهر زیارتی و خرید سوغات برای اقوام و دوستان با هم عجین شده است. معمولاً بازارهای سنتی و مدونی وجود دارد که هر مسافری را به خرید ترغیب می‌کند. این بازارها که از

صدها غرفه و فروشگاه تشکیل شده است، هر ساله بازدیدکنندگان و خریداران فراوانی دارد. این فعالیت‌ها موجب ایجاد درآمد و ایجاد فرصت شغلی است؛

- ایجاد درآمد ارزی برای کشور، ایجاد درآمد برای دولت از راه دریافت مالیات و عوارضی که از فعالیت‌های مربوط به صنعت گردشگری زیارتی ناشی می‌شود؛

- ایجاد مؤسسات بازرگانی خاص، به ویژه در امر صادرات و واردات؛

- توجه خاص به محیط زیست برای حفاظت از امکانات طبیعی مانند آب، هوا، خاک و... توسعه صنایع غذایی و زیرمجموعه‌های مربوط به آن، مانند صنایع کشاورزی، دامپروری، باغداری و...؛

- توسعه و رونق صنایع دستی به دلیل تقاضای فراوان زائران برای صنایع دستی آن شهر زیارتی خاص و کشور مربوطه؛

- توسعه شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی مانند تلفن، فاکس، اینترنت، روزنامه و...

(قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۹۴۹).

توسعه و بسط زیارت در ساختار کلان‌شهرهای موجود همچون مشهد، قم و شیراز به بهبود تسهیلات کیفی و کمی خدمات گردشگری، توسعه و تقویت زیرساخت‌های شهری، ارائه تمهیدات کیفی و جذاب فرهنگی، بهداشتی و اجتماعی برای شهروندان و گردشگران منجر خواهد شد. بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از این پدیده تمدنی به نقطه اوج اهداف مورد نظر دست یافته‌اند؛ به نحوی که بیشترین درآمد خود را از آن طریق تأمین می‌کنند و در زمره کشورهای توسعه‌یافته جهان مطرح شده‌اند. تجربه چین و امارات متحده عربی و بسیاری از کشورهای دیگر در سال‌های اخیر حاکی از این است که فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب در خصوص گردشگری، رشد اقتصادی و افزایش قابل توجه درآمد را برای این کشورها به ارمغان آورده و در برخی موارد، مانند عربستان، جایگاه خاصی از نظر سیاسی برای آنان تعریف کرده است.

ج) بعد سیاسی

توجه به زیارت در سیاست خارجی در عصر پیش رو امری ضروری به نظر می‌رسد. نهاد زیارت علاوه بر اینکه موجب شناخت فرهنگ معنوی، تحول اقتصادی و بازرگانی، کسب درآمد سرشار و اشتغال‌زایی می‌شود، می‌تواند با ارائه تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی ویژه در زدودن تصویر نامناسب و غیر واقعی که برخی از کشورهای غربی با تبلیغات گسترده خود علیه اسلام و مکتب تشیع ترسیم کرده‌اند، گام مؤثری بردارد. به گواه تاریخ این امر نتایج سیاسی مختلفی در بعد تمدنی به دنبال دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- زیارت می‌تواند درس عزت‌طلبی، تسلیم‌ناپذیری، ولایت‌مداری، دلاوری و غیرت‌ورزی نسبت به اسلام و دفاع از فضیلت و کرامت انسانی و همچنین حرمت انسان‌ها را به انسان‌ها بیاموزد؛

- زیارت می‌تواند موجب جذب جمعیت و احیا و توسعه شهر شود. طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی در سکونتگاه‌های انسانی و نیز تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها به ویژه در دوره‌های قدیم بسیار مهم بوده است؛

- همگرایی عتبات می‌تواند بستری برای اعتراض سیاسی باشد؛

- زیارت می‌تواند به ارائه چهره‌ای واقعی از یک کشور یا دین و مذهب به جهانیان کمک کند؛

- زیارت موجب گسترش امنیت می‌شود؛ زیرا حفظ قداست مکان زیارتی، مانع از اعمال خشونت می‌گردد؛

- جنبه مهم دیگر زیارت، برقراری صلح و دوستی است؛ زیرا وقتی زائران داخلی و خارجی با آداب و رسوم یکدیگر آشنا می‌شوند و دوستانی در کشورها و شهرهای دیگر پیدا می‌کنند، میان آنها علاقه و محبت ایجاد می‌شود و در مجموع

باعث می‌شود که صلح و دوستی پدید آید (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

شاید یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های نهاد زیارت این است که در یکپارچگی، انسجام و همگرایی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام و جهان تشیع نقش ارزنده‌ای می‌تواند داشته باشد و در عصر حاضر به وحدت و وفاق مکتبی کمک شایانی خواهد کرد. نقش زیارتگاهی شهرها تنها با ادای مراسم مذهبی از سوی ساکنان آن شهر تبیین‌شدنی نیست؛ مگر آنکه شهر بتواند به طور مستمر یا فصلی پیروان مذهب را به تعداد زیاد از افق‌های دورتر به سوی خود جلب کند. میدان جاذبه بعضی از مکان‌های زیارتی، ناحیه‌ای یا در مقیاس کشور و بعضی دیگر در مقیاس جهانی پیروان خود را جذب می‌کند.

۴. بعد تاریخی - جغرافیایی

از میان شاخص‌های حیاتی و نمادین تمدن‌های دنیای قدیم و جدید، زیارت یکی از نمادهایی است که مرزهای سیاسی کشورها، تقسیمات اداری و قلمرو اقتدار قومی، گستره جغرافیایی آن را تعیین نمی‌کند. در طول تاریخ زندگی بشر، حرکت انسان‌ها در زمین و هجرت آنان از سرزمینی به سرزمین دیگر همواره نقشی اساسی در ایجاد و گسترش تمدن‌ها داشته و نخستین تمدن‌های بزرگ در بین‌النهرین از مهاجرت آریایی‌ها به این سرزمین سرچشمه گرفته است. شماری از صاحب‌نظران بر این باورند که هجرت، لازمه تمدن است و زیارت، یکی از بسترهای هجرت مسلمانان بوده است. در بررسی سفرنامه‌ها و دیگر اسناد مربوط به سیر و سیاحت مسلمانان در زمین به کمترین موردی بر می‌خوریم که غرض اصلی جهانگرد مسلمان از سفر، پژوهش و تحقیق، آموختن دانش و درک محضر دانشمندان سرزمین‌های دیگر و زیارت نباشد (همایون، ۱۳۹۱، ص ۵۶). برای این نوع سفرها تنها مقصد، حائز اهمیت نیست. بلکه تجربه او از همان ابتدای ترک مبدأ آغاز می‌شود و تمام مسیر و وقایعی را که در طول مسیر با آن مواجه می‌شود،

دربر می‌گیرد. این نوع سفر نقش عمده‌ای در زندگی اجتماعی کشورهای اسلامی ایفا می‌کند، به طوری که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و مالی، باعث ارتباط بیشتر با سایر جوامع اسلامی می‌شود و تعامل بین ملل و فرهنگ‌هایی را که نقاط مشترکی دارند، در پی دارد (فیض‌آبادی و وزیری محبوب، ۱۳۹۰، ص ۲).

از طرفی وجه نهادی زیارت طی فرایندی تاریخی شکل می‌گیرد؛ از باب مثال برای زیارت امام رضا علیه السلام در ایران دو دوره را می‌توان منظور کرد: دوره نخست از ورود اسلام تا ابتدای صفویه است که بیشتر ایرانیان سنی، و شیعیان در اقلیت بودند، اما در عین حال به زیارت تمایل زیادی داشتند و به ادای آن مقید بودند. در این دوران علی‌رغم سنی بودن اکثر مردم و حکام، غالباً تنگنای جدی برای زیارت امام رضا علیه السلام وجود نداشته و ایشان مورد احترام مقتضی قرار می‌گرفته است؛

دومین دوره پس از صفویه است که تشیع در ایران رسمیت یافت و مظاهر و مناسک شیعی به طور گسترده‌ای در جامعه تبلیغ می‌شد. در این دوران زیارت امام رضا علیه السلام یکی از نشانه‌های مهم هویت شیعی به شمار می‌آمد و گاه نیز از تبلیغ و ترویج زیارت بهره‌های سیاسی برده می‌شد. در دوره صفویه اماکن زیارتی در ایران توسعه زیادی پیدا کرد و بر جنبه آستانه‌ای (بارگاهی) آن به شدت افزوده شد؛ اگرچه این روند در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافته و وجه بارگاهی زیارت امام رضا علیه السلام در دوران حاضر اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

حوزه زیارت و مکان‌های مذهبی از حوزه‌های مهم در جامعه‌شناسی تشیع است که یکی از عرصه‌های تجلی دینداری عامه است. همچنین فصل‌های مشترکی با حوزه مناسک دارد. اهمیت «امام» در میان شیعه چنان است که به «قدمگاه امام»، «مدفن امام»، «فرزندان و نوادگان امام» وجهی مهم و درخور توجه و تأمل می‌بخشد و مکان‌های زیارتی همچون زیارتگاه‌ها، قدمگاه‌ها و امامزاده‌ها را شکل می‌دهد.

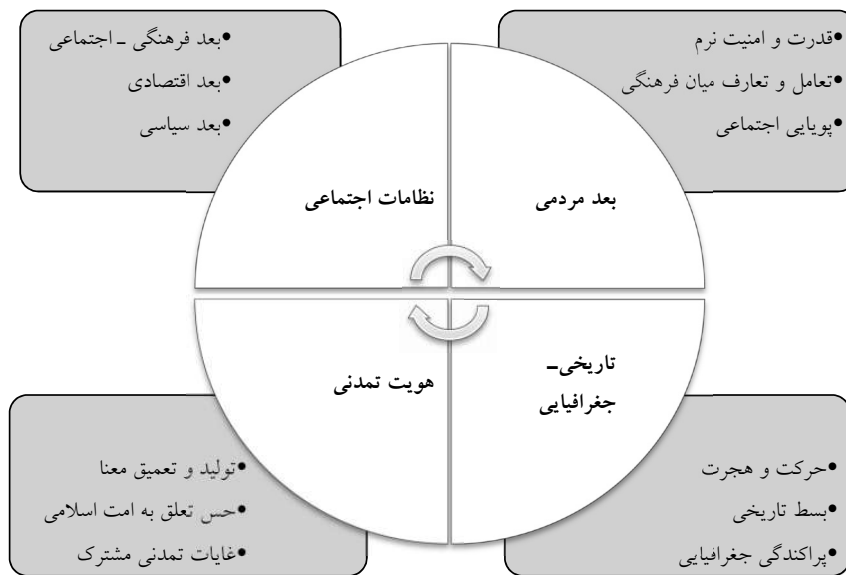
نهاد زیارت با توجه به عقلانیتی که در بطن خود داراست، توانسته در طول تاریخ از نظر جغرافیایی در جهان اسلام به صورت پراکنده گسترده شود. در ایران نیز فرزندان ائمه علیهم‌السلام نقش مهمی را در این راستا ایفا کرده‌اند. نگاهی کارکردگرایانه، نشان می‌دهد که مقبره‌های امامزادگان نقش فراوانی در زندگی اجتماعی ایرانیان ایفا کرده‌اند. در بیشتر روستاها، در کنار امامزاده، قبرستان روستا نیز بنا شده است. فعالیت‌های جمعی روستا، اعیاد و عزاداری‌ها خصوصاً عزاداری روز عاشورا از امامزاده آغاز می‌شود یا در آن پایان می‌یابد. مسافران و عابران نیز معمولاً از امکانات امامزاده استفاده می‌کنند. بسیاری از بیماران، حاجتمندان و... برای امامزاده نذر و نیاز می‌کنند و حاجات خویش را از امامزاده طلب می‌کنند. در یک کلام امامزاده‌ها هویت خاصی به مذهب شیعه و پیروان آن داده‌اند؛ هویتی که در هیچ جامعه‌ای یافت نمی‌شود. وقایع تاریخی، سیاسی و اجتماعی خاص، کتاب‌ها، فیلم‌ها، داستان‌ها و مقالات مختلفی بر این مبنا شکل گرفته است. بسیاری از نیروهای معنوی جامعه به واسطه حضور امامزاده تأمین می‌شود. از همه مهم‌تر آنکه بسیاری شهرها و روستاهای کشور حول یک امامزاده شکل گرفته‌اند. نقش تاریخی امامزادگان نه در دوران خود که بیشتر در دوران پس از حیات آنان است.

به هر حال به عنوان یک واقعیت اجتماعی، نهاد زیارت در گستره پهناور ایران و جهان اسلام در طول تاریخ در جریان بوده است و نقش و کارکردی اساسی در بهبود ساختار اجتماعی، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی جوامع اسلامی داشته است. از این رو، بسط تاریخی - جغرافیایی این آیین دینی در گستره پهناور جغرافیای فرهنگی جهان اسلام، مهم‌ترین مؤلفه تاریخی - جغرافیایی نهاد زیارت محسوب می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فرهنگ شیعی، زیارت به مثابه نهاد مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت

مجموعه‌ای از دانش‌ها و تلویحاً دستورهایی است که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند. ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد مانند بیشتر نهادهایی که دستاورد تمدنی ایران اسلامی محسوب می‌شوند، مورد غفلت واقع شده است. زیارت به مثابه واقعیتی اجتماعی و نهادی تمدن‌ساز به گونه‌ای است که پیرامون آن آثار مادی و معنوی بسیاری در ابعاد تمدنی مختلف شکل می‌گیرد. بر اساس نتایج به دست آمده، این ابعاد را می‌توان در چهار بعد مردمی، نظامات اجتماعی، هویت تمدنی و تاریخی - جغرافیایی تحلیل کرد (شکل شماره ۲).



شکل شماره (۲). ابعاد تمدنی نهاد زیارت

در بعد مردمی، زیارت صحنه حضور مردم در متن جامعه است. همین حضور مردم در کنار هم سبب تماس آنها با یکدیگر می‌شود و منشأ آثار و برکات فراوانی می‌گردد. پدیده زیارت با حرکت مردم شروع می‌شود و در شهرهای زیارتی اجتماع عظیم مردمی را به وجود می‌آورد. امروزه از حضور مردم به عنوان یک مؤلفه مهم

در قدرت نرم سخن به میان می‌آورند. جمعیت مردمی خود یکی از پایه‌های امنیت و قدرت محسوب می‌گردد. خصوصاً اگر در اجتماعات همگون و معناداری چون زیارت جلوه پیدا کند. مؤلفه دیگر در بعد مردمی، تعاملی است که بین انسان‌ها در زیارت به مثابه یک بستر ارتباطات میان‌فرهنگی صورت می‌پذیرد. این تعامل خود سبب تعارف و شناخت میان‌فرهنگی بین مردم می‌شود.

در این نوشتار بعد نظامات اجتماعی تمدن، به فرایندها و رویه‌هایی تاریخی اشاره دارد که انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود برای سامان دادن امور اجتماعی خویش قرارداد می‌کنند. بعد هویت تمدنی در این نوشتار به جریان خلق، تولید، اشاعه و احاطه معنا بر سپهر فرهنگی ارتباطات مردمی در یک اجتماع اشاره دارد. از این نظر زیارت به دلیل جوشش درونی معنا و احاطه و تعمیق آن در نظام مناسبات مردمی، از غنی‌ترین پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌آید. بسط تاریخی - جغرافیایی زیارت به مثابه یک آیین دینی در گستره پهناور جغرافیای فرهنگی جهان اسلام، مهم‌ترین مؤلفه تاریخی - جغرافیایی نهاد زیارت محسوب می‌شود.

در مجموع این نوشتار سعی در بررسی ابعاد تمدنی پدیده زیارت در چهار بعد مردمی، نظامات اجتماعی و هویت تمدنی و تاریخی - جغرافیایی داشت که بر اساس یافته‌های این پژوهش، قدرت نرم، تعامل و تعارف میان‌فرهنگی و پویایی اجتماعی، مؤلفه‌های مهم بعد مردمی، آثار، تغییرات و کارکردهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی، مؤلفه‌های کلیدی بعد نظامات اجتماعی، قدرت تولید، احاطه و تعمیق معنا، حس تعلق به امت اسلامی و درک غایات تمدنی مشترک از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد هویت تمدنی، و بسط تاریخی آیین زیارت در گستره پهناور جغرافیای فرهنگی جهان اسلام مهم‌ترین مؤلفه تاریخی - جغرافیایی نهاد زیارت در چارچوب گردشگری فرهنگی محسوب می‌شود.

منابع

۱. الهی تبار، علی (۱۳۹۱)، **علل انحطاط مسلمین از دیدگاه شهید مطهری و دکتر شریعتی**، قم، نشر معارف.
۲. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، **مدنیت و معنویت در اربعین، مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران، انتشارات سوره مهر.
۳. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، «درآمدی بر شاخص‌های تمدنی در اربعین»، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین**، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴. بارانی، محمدرضا، میرمحمدی، سیدضیاء‌الدین (۱۳۹۱)، «درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان»، **تاریخ اسلام**، چاپ سیزدهم، شماره ۵۰.
۵. بهمنی خدنگ، محمدرضا (۱۳۹۶)، «آیین اربعین، نمایش تنوع در امت اسلامی»، **چکیده مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. پرویش، محسن (۱۳۹۶)، «همگرایی جهانی و راه‌کارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین»، **چکیده مقالات**
- سومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۹۲)، **مدیریت گردشگری و وجهه ملی در جمهوری اسلامی**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. **چکیده مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین** (۱۳۹۶)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، **گفت‌وگوی بین فرهنگی و انسجام ملی**، در همبستگی ملی در ایران (مجموعه مقالات)، به کوشش داریوش قمری، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، **پژوهش‌های جغرافیای مردمی**، شماره ۸۰.
۱۱. خانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، **جامعه‌شناسی حکمت متعالیه**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۲. خانی، محمدحسن (۱۳۹۶)، «آیین اربعین به مثابه منبع قدرت نرم جهان اسلام»، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین**، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۱۳. خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران، انتشارات بازتاب.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «الزامات دیپلماسی فرهنگی ایران»، *نشریه همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۸.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، نشر مرتضوی.
۱۶. زمانی، حسین (۱۳۹۲)، *بازشناسی مفهوم زیارت*، تهران، انتشارات آوند رشد.
۱۷. ستوده، محمد (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۲.
۱۸. سیاح، احمد (۱۳۷۷)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی به فارسی*، تهران، انتشارات اسلام.
۱۹. شایگان، داریوش (۱۳۵۶)، *آسیا در برابر غرب*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۰. شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۰)، *تأملی کارکردی بر نقش توسعه پایدار گردشگری دینی در جامعه ایران*، <http://anthropology.ir/article/10725.html>.
۲۱. صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران، انتشارات ققنوس.
۲۲. صدر حاج سیدجواد، احمد (۱۳۸۰)، *دائرة المعارف تشیع*، جلد سوم، تهران، مؤسسه دائرة المعارف تشیع.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. عرفان، امیرحسین، بیات، علی (۱۳۹۳)، «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های تمدنی و فرهنگی آن»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۵.
۲۵. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹)، *تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۶. قاسمی، نرگس (۱۳۸۷)، «جایگاه سیاسی و اقتصادی زیارت»، *مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت*، تهران، نشر مشعر.
۲۷. کرمی‌پور، الله‌کرم (۱۳۹۴)، «گردشگری دینی: ماهیت و کارکرد»، *دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، شماره ۱۳.
۲۸. مولانا، حمید (۱۳۸۴)، *ارتباطات جهانی در حال گذار: پایان چندگونگی؟*، تهران، انتشارات سروش.
۲۹. _____، (۱۳۸۴)، *اطلاعات و ارتباطات جهانی*، ترجمه اسدالله آزاد، محمد حسن‌زاده و مریم اخوتی، تهران،

۳۸. مهدیار، میثم (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌شناسی اربعین»، مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین، تهران، انتشارات سوره مهر.
۳۹. الناصر غالب (۲۰۱۵)، **البناء الاجتماعي و الثقافة الحسينية**، كربلاء المقدسة، دار وارث للطباعة.
۴۰. ولایتی، علی‌اکبر، سعید محمدی، رضا (۱۳۸۹)، «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، دانش سیاسی، شماره ۱۱.
۴۱. همایون، محمدهادی (۱۳۸۴)، «جهانگردی در جمهوری اسلامی ایران: میان اقتصاد و فرهنگ»، **مجموعه مقالات همایش ملی ارتباطات میان فرهنگی و سیاست خارجی**، دانشگاه تهران.
۴۲. _____ (۱۳۹۱)، **جهانگردی، ارتباطی میان‌فرهنگی**، مطالعه تطبیقی الگوی غربی معاصر و الگوی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۳. _____ (۱۳۹۶)، «نقش تمدن‌ساز عاشورا و اربعین، از بعثت و غدیر تا ظهور»، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین**، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۴. یوسفی، علی، صدیق اورعی، غلامرضا، کهنسال، علیرضا، مکرری‌زاده، فهیمه (۱۳۹۱)، «پدیدارشناسی تجربی زیارت
- نشر کتابدار.
۳۰. **مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت** (۱۳۸۷)، تهران، نشر مشعر.
۳۱. **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی دکترین مهدویت** (۱۳۸۸)، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۳۲. **مجموعه مقالات اربعین حسینی** (۱۳۹۴)، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۳۳. **مجموعه مقالات و یادداشت‌های دومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین** (۱۳۹۵)، قم، انتشارات کتاب جمکران.
۳۴. **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین** (۱۳۹۶)، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۵. محمدی، علی (۱۳۸۴)، **امپریالیسم فرهنگ و هویت فرهنگی**، ترجمه حسن بشیر، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۶. معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۴)، **مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران، انتشارات سوره مهر.
۳۷. موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، «اربعین حسینی شکوه همبستگی اجتماعی امت اسلامی»، **مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران، انتشارات سوره مهر.

امام رضا (علیه السلام)، مطالعات اجتماعی ایران،

دوره ششم، شماره ۳ و ۴.

45. Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
46. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
47. Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research*.